



# تحولات تاریخی منطقه قفقاز در کتاب گلستان ارم

• سیما سالور

عبدالکریم علی زاده و دیگران توسط اداره انتشارات علم در باکو انتشار یافته است.

اخیراً که این کتاب توسط دو ناشر ایرانی در ایران نیز انتشار یافته است. نخست، چاپ انتشارات وزارت امور خارجه در سال ۱۳۸۲ که با مقدمه رحیم رئیس نیا همراه است، دوم، چاپ انتشارات ققنوس در سال ۱۳۸۳. محتوای هر دو چاپ بدون کمترین تفاوتی همان چاپ تصحیح آفاق عبدالکریم علی زاده است و در واقع همان کتاب چاپ باکو دوباره تجدید چاپ شده است.

پیش از بررسی محتوای کتاب **گلستان ارم** و ارزش تاریخی آن در مطالعات قفقازشناسی، ابتدا به نام و نشان و گرایشات سیاسی مؤلف نگاهی می‌افکنیم و آن گاه محتوای اثر او را مرور می‌کنیم.

## شرح حال مؤلف گلستان ارم:

مؤلف در آخرین بخش از کتاب خود که به شرح حال و آثار فضلا و نویسندگان ولایت شیروان پرداخته است، در مورد خود چنین می‌نویسد:

«ولادت این بی‌بضاعت جانی عباسقلی قدسی ابن میرزامحمد خان ثانی در ساعت اول روز پنجشنبه چهارم ذی الحجه دهم جزیران سنه ۱۲۰۸ (۱۷۹۴) در قریه امیر حاجان باکو بوده. از سن هفت سالگی هر چند مرا به خواندن درس واداشتند، اما اغتشاش حالات و انقلاب محاربات نمی‌گذاشتند چنانکه باید مدعا به حصول آید. در مدت ده سال جز از سواد جزئی به فارسیات میسر نگشت. بعد از آن در قبه ده سال به تحصیل فنون عربیه و غیره پرداخته، با وجود قلت اسباب و موانع دیگر تحصیلاتی چند کرده بودم که فرمان‌فرمای عساکر و ولایت قفقاسیه جنرال یرملوف در سنه ۱۲۳۵ (۱۸۲۰) مرا احضار و در خدمات دولت به کار داشت. خط و زبان روسی را در تفلیس تحصیل و به انواع علوم و احوال طوایف مختلفه که به این زبان ترجمه کرده‌اند، آشنا گردیدم و به تقاضای امور خدمت و بودن در حضور امنای این دولت اکثر امکانه ولایت شیروان و ارمن و داغستان و چرکس و گرجستان را گردیدم و به بلاد آناتولی و آذربایجان نیز رفته به صحبت اعالی و اصناف اهالی رسیدم و در

## ■ گلستان ارم

- تألیف: عباس قلی آقا باکیخانف
- به اهتمام: عبدالکریم علی زاده
- ناشر: اداره علم، باکو، ۱۹۷۰ م.

## درآمد:

در مطالعات تاریخی همواره منابع تاریخ محلی و منطقه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار هستند. چون منابع تاریخ عمومی یاسلسله‌ای و خاندانی در گزارش‌های خود، اغلب به کلیت وقایع و حوادث یک سرزمین یا قلمرو تحت حکومت فرمانروایان و پادشاهان توجه می‌کنند، بنابراین محور تاریخ‌نگاری آنان، بر حوادث سیاسی در پایتخت و مرکز حکومت متمرکز دارد و به طور طبیعی از پرداختن به حوادث محلی غفلت می‌ورزند؛ به همین دلیل تواریخ محلی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند.

سرزمین قفقاز که مقدرات آن از دیرباز با سرنوشت سیاسی ایران در پیوندی وثیق قرار داشته است، از جمله مناطقی است که با وجود اهمیت آن کمتر مورد توجه مورخان قرار گرفته و به ندرت نگارش‌های تاریخی مستقلی در باب آن صورت پذیرفته است. با مراجعه به منابع کتاب‌شناسی قفقاز به خوبی در می‌یابیم که در باب این سرزمین، جز تعداد معدودی تک‌نگاری، آثار مستقل چندانی به چشم نمی‌خورد. به خصوص تعداد این تک‌نگاری‌ها در خصوص حوادث قفقاز در قرون ۱۲ و ۱۳ هـ. ق. بسیار اندک است. بنابراین همان معدود کتاب‌های موجود در تاریخ قفقاز در قرون ۱۲ و ۱۳ هـ. ق. اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

کتاب **گلستان ارم** اثر **سرهنگ عباسقلی آقا باکیخانف** نمونه‌ای مهم از تک‌نگاری‌های مربوط به تاریخ قفقاز و تحولات سیاسی، اجتماعی و حتی قومی و طایفه‌ای این سرزمین در قرون ۱۲ و ۱۳ هـ. ق. محسوب می‌شود. این اثر که در سال ۱۲۷۵ هجری قمری نگارش یافته است، علاوه بر تحولات سرزمین قفقاز بخش‌هایی از تاریخ صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه را نیز مورد توجه قرار داده است. همین امر بر اهمیت **گلستان ارم** در مطالعات تاریخ ایران افزوده است. این کتاب در سال ۱۹۷۰ به اهتمام

مجلس آقا باکیخانف

گلستان ارم



## اهمیت «طبقه رابعه» کتاب گلستان ارم در آن است که با کیخانیان گاه در کنار اطلاعاتی که از منابع صفوی و افشاری گرفته است، به برخی از آگاهی‌های شفاهی موجود در منطقه و یا تعدادی از آثار محلی از میان رفته نیز توجه داشته است



**کتاب گلستان ارم اثر سرهنگ عباسقلی آقا با کیخانیان نمونه‌ای مهم از تک نگاری‌های مربوط به تاریخ قفقاز و تحولات سیاسی، اجتماعی و حتی قومی و طایفه‌ای این سرزمین در قرون ۱۲ و ۱۳ هـ. ق. است**

معرف آشنا و به مصالح معشیت و مدارا دانا می‌سازد. به این سبب آن را از نفایس علوم روحانی محسوب داشته، توان گفت که حکمرانیست بی‌تحکم و تعدی که اصناف بنی آدم احکام او را سر به خط فرمانند و در دبستان تعلیمش معلمان عالم طفل سبق خوان و حیات بخشی است بی‌حیات که مردگان چندین هزار ساله را به یکدم زنده کند که طوایف مختلف قرون متکثره مانند روز رستاخیز هریک به شکلی از لباس و اخلاق و عادات و سیاق موالات و معادات صف صفا نامه اعمال در کف به مقام حساب آیند و جزای نیکوکاری و بدکرداری خود را از طعن و تحسین نظارگان بی‌غرض حساب یابند و گویای است خاموش که وصایای اسلام را با خلاف با همه تفصیل و اوصاف تقریر نموده، اسباب فقر و تجمل و وسایل ترقی و تنزیل رامفهوم دارد و صورت احوال آینده را در لباس گذشته به نظر عبرت آرد...»<sup>۲</sup>

با کیخانیان هدف اصلی خود را از تألیف گلستان ارم، بررسی تاریخ شروان و داغستان عنوان می‌کند و پس از نگاهی به علم تاریخ برای ارائه گزارش‌های خود عناوین مباحث خویش را به پنج بخش و یا بنا به نوشته خود مؤلف به پنج طبقه و یک خاتمه، تقسیم کرده است که عبارتند از:

- طبقه اولی: در بیان وقایع قدیمه شیروان و داغستان تا زمان ورود لشکر عرب بعد از ظهور دولت اسلام.
  - طبقه ثانی: از آغاز ورود لشکر عرب تا زمان استیلای مغول.
  - طبقه ثالثه: از زمان استیلای مغول تا ظهور صفویان و احوال سلطنت و سلسله شیروانشاهیان.
  - طبقه رابعه: از زمان ظهور صفویان تا وفات نادرشاه.
  - طبقه خامسه: از وفات نادرشاه تا زمان انعقاد مصالحه دولتین روس و ایران در موضع گلستان.
  - خاتمه در احوال کسانی که از ولایت شیروان و نواحی همجوار آن صاحب تألیف یا به فضایل دیگر لایق توصیف بوده‌اند.
- مؤلف در طبقه اولی به جغرافیای طبیعی، سیاسی و انسانی ولایت شیروان و داغستان می‌پردازد. او در بیان تاریخ قدیم شروان و داغستان از اعصار قدیم تا روزگار نفوذ اعراب مسلمان به این منطقه، نگاهی جسته و گریخته به تاریخ باستانی این دو سرزمین دارد.

در این بخش اطلاعات او به طور عمده بر دو دسته از منابع اصلی استوار است: نخست منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی - عربی و دوم منابع اروپایی. او با تکیه به همین منابع است که هم به مشخصات طبیعی و اقلیمی شروان و داغستان توجه دارد و هم به تاریخ سیاسی این دو سرزمین در عهد باستان.

او تاریخ قدیم شروان و داغستان تا حمله اعراب را ذیل عنوان طبقه اولی می‌آورد. همچنین در بیان طبقه اولی به ریشه‌یابی ترکیب قومی ولایت شیروان و داغستان پرداخته و ساکنان آنجا را به

امور جنگ و صلح با ایران و روم از مقربان حضور فرمان فرمای عساکر روس امیر اعظم پاسکویچ بودم و در سنه ۱۲۴۸ (۱۸۳۳) به عزم سیاحت روان و قریب به دو سال در اطراف دشت و ملک تن و مالاروسی و دیار روس و لیفلاندیه و لیطوا و لهستان با امنای مصالح گذار و حکمای بلند اشتهار و دانایان صنایع شعار اقلیم اروپا طریق مخالصه پیمودم. امور عجیبه بسیار و آثار غریبه بی‌شمار ملاحظه نمودم. بهر دیاری از هر کاری به مراتب تعلم و تجربه افزودم رفته رفته جهل از ترکیب به تجرید انجامید اندک اندک بطلان تصورات آشکار گردید. دیدم که مناصب بلند دنیا به غایت پست است و تدبیرات ارجمند ما خود آزمایی است از آن که مال بهر حال در معرض زوال و اختیار و اقتدار مورد اختلال و صنایع محتاج به انواع آلات و قوت بدن و شرافت نسب بی‌کرامت حسب نامعلوم در غربت و مذموم در وطن بوده، تکیه بر آنها نقش بر آب و دولتی که قابل استظهار و در حالی باعث اعتبار تواند بود علم و آداب می‌باشد»<sup>۱</sup> در ادامه مؤلف به ذکر تألیفات خود می‌پردازد، از جمله: کتاب ریاض القدس مشتمل بر ۱۴ باب در احوال چهارده معصوم با تکیه بر شهادت امام حسین (ع) و به زبان ترکی، قانون قدسی در تعلیم صرف و نحو فارسی، کشف الغرایب در احوال کشف و اوضاع قاره آمریکا به زبان فارسی، تهذیب الاخلاق که بنا به نوشته خود مؤلف کتاب «معارف اشیا و مصارف آنها بر وفق تبیین کتب آسمانی و تعیین حکمای اسلام و یونان و فرنگ که مشتمل است بر یک مقدمه و ۱۲ باب و خاتمه»، عین المیزان در علم منطق به زبان عربی، اسرار الملکوت در علم هیأت به زبان فارسی که آن را به زبان عربی هم ترجمه نموده است، مشکوة الانوار به زبان فارسی، جغرافیا به زبان فارسی و مجامع اشعاری که مشتمل بر اشعاری به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی است.

با نگاهی به شرح حال مؤلف، می‌توان گفت که: سرهنگ عباسقلی آقا با کیخانیان از جمله ایرانیانی بود که به تشکیلات نظامی تزاری پیوست و تا درجه سرهنگی ارتقاء یافت. با وجود این که وی مسلمان و دارای مذهب تشیع اثنی عشری بود، در خدمت به حکومت تزاری تا آنجا پیش رفت که به قول خود از مقربان پاسکویچ گردید و در مذاکرات صلح بین ایران و ارتش تزاری روسیه به نفع روس‌ها حضور داشت که خود با افتخار نیز از آن یاد می‌کند.

### کتاب گلستان ارم، محتوا و سبک تاریخ نویسی آن:

گلستان ارم مانند بیشتر کتاب‌های تاریخی با نیم نگاهی به علم تاریخ و بیان ارزش و جایگاه آن آغاز می‌شود. گرچه تعاریف با کیخانیان از تاریخ، دقت لازم را ندارد، اما به هر حال نگاه و نگرش وی را منعکس می‌کند. از جمله می‌نویسد:

«علم تاریخ که طبع ما بی‌همه چیز مایل آن و قطع نظر از حکایات واقعی، افسانه را نیز خواهان است، انسان را به محاسن و

## منصب نظامی نویسنده گلستان ارم و تعلق او به تشکیلات حکومت تزاری باعث شده است تا وی بخش تاریخ قاجاریه کتاب خود، به خصوص جنگ‌های ایران و روس را با نگاهی مثبت به امپراتوری تزاری و نگرشی منفی نسبت به حکومت مرکزی ایران بنگارد



### باکیخانف هدف اصلی خود را از تألیف گلستان ارم، بررسی تاریخ شروان و داغستان عنوان می‌کند

ترتیب ذیل معرفی می‌کند: ترک‌ها، خزرها، روس، غزه، کماری، صقلاب، چین، باریج و مسک.

طبقه ثانی بخش بعدی کتاب را تشکیل می‌دهد. مؤلف در ذیل طبقه ثانی به تاریخ شروان و داغستان، از آغاز ورود لشکر عرب تا استیلای مغولان توجه دارد. اغلب گزارش‌های او در این قسمت از کتاب فاقد اطلاعات بدیع و برگرفته از تواریخ عمومی و مشهوری چون تاریخ طبری، تاریخ گزیده، حبیب السیر و غیره است. عباس قلی آقا باکیخانف در این بخش گزارش فشرده‌ای از تحولات سیاسی و قومی منطقه قفقاز در ایام نفوذ اعراب و به ویژه دوره پیشروی و نفوذ آنان به منطقه قفقاز ارائه می‌نماید. در همین عصر به همان اندازه که با نفوذ اعراب فرهنگ و باورهای منطقه قفقاز دگرگون شد و باورهای جدیدی بر محور اسلام و فرقه‌های اسلامی در این منطقه پدید آمد، چهره سیاسی منطقه نیز دگرگون شد و در درون سرزمین قفقاز مجموعه‌های سیاسی متعدد و متنوعی پدید آمد. حاکمیت این مجموعه‌ها اگر چه در دوران استیلای عرب با حکام عرب و یا نمایندگان آنان بود، اما به مرور با کم رنگ شدن حضور مستقیم اعراب، زمینه شکل‌گیری حکومت‌های محلی پدید آمد.

سومین بخش کتاب یا طبقه ثالث آن مروری است بر تاریخ قفقاز با تکیه بر ولایت شروان و داغستان از زمان استیلای مغولان تا ظهور صفویه. در عصر مغولان، ساخت قومی و جمعیتی قفقاز دگرگونی پیدا کرد. در این دوران افزون بر مغولان ترکمان‌ها، ازبکان، چرکس‌ها و لرگی‌ها در قفقاز سکنی گزیده و به مرور تبدیل به ساکنان بومی این سرزمین شدند. اگرچه عباس قلی آقا به جزئیات این تحولات نمی‌پردازد، اما در حد یک تاریخ نویس محلی گزارش‌های پراهمیتی از این دگرگونی‌ها ارائه می‌کند.

باکیخانف در این بخش از کتاب خویش که نسبت به سایر بخش‌ها به اجمال و اختصار نوشته شده است، گزارشی بر بنیاد کتاب‌های اصلی تاریخ مغول و گفت و گویی در باب سلسله شروانشاهیان و نسبت شاهان شروانی ارائه کرده است.

طبقه رابعه دوران صفویان تلفات نادر را در برمی‌گیرد. در این بخش، محور اطلاعات باکیخانف بر منابع اصلی تاریخ صفویه و افشاریه متکی است. اهمیت این بخش از کتاب گلستان ارم در آن است که باکیخانف گاه در کنار اطلاعاتی که از منابع صفوی و افشاری گرفته، به برخی از آگاهی‌های شفاهی موجود در منطقه و یا تعدادی از آثار محلی از میان رفته نیز توجه داشته است. بی‌گمان اگر نگوییم تمام قفقاز، اما بخش عمده‌ای از این سرزمین خاصه ولایت شروان و داغستان، از دیرباز جزو عمده امپراتوری‌های ایران باستان و حکومت‌های دوره اسلامی سرزمین ما بوده‌اند. اگرچه باکیخانف به این واقعیات در این بخش از کتاب خویش کمتر اشاره می‌کند، اما جالب است بدانیم که از خلال گزارش‌های کلی و پراکنده وی پیوستگی سیاسی و به ویژه فرهنگی و قومی و نظام مالیاتی و

تشکیلاتی این سرزمین‌ها با ایران به روشنی قابل ردیابی است. در تاریخ ایران تحولات بعد از مرگ نادر شاه تا معاهده گلستان از اهمیت زیادی برخوردار است. باکیخانف این بخش از تاریخ منطقه شروان و داغستان را ذیل عنوان طبقه خامسه، از وفات نادر شاه تا زمان انعقاد مصالحه دولتین روس و ایران در موضع گلستان می‌آورد. گزارش‌های او در این زمینه حاوی سیاست‌های نادر شاه در قفقاز و لشکرکشی‌های او به حوزه داغستان است. باکیخانف اگر چه در ارائه این بخش از اطلاعات خویش باز هم بیشتر به منابع افشاری از جمله جهانگشای نادری و عالم‌آرای نادری متکی است، اما در لا به لای این اطلاعات برخی گزارش‌های بدیع نیز ارائه می‌کند.

اگر از گزارش‌های مثبت باکیخانف نسبت به روس‌ها در سراسر کتاب اغماض کنیم، به طور مسلم نمی‌توانیم پس از تطبیق نوشته‌های او با نوشته‌های ایرانی و مورخان بی‌طرف اذعان نکنیم که منصب نظامی نویسنده گلستان ارم و تعلق او به تشکیلات حکومت تزاری باعث شده است تا وی بخش تاریخ قاجاریه کتاب خود، به خصوص جنگ‌های ایران و روس را با نگاهی مثبت به امپراتوری تزاری و نگرشی منفی نسبت به حکومت مرکزی ایران بنگارد. بدون تردید مطالعه این بخش از نوشته باکیخانف و جانبداری‌های آشکار و پنهان او از سیاست تجاوز روس‌ها به قفقاز محتاج دقت و واری جدی است.

#### سبک و شیوه تاریخ‌نویسی باکیخانف:

مورخان قدیم اغلب در نگارش آثار خویش یکی از اشکال تاریخ‌نویسی زیر را پایه و اساس کار خود قرار می‌دادند.

- ۱) تاریخ‌نویسی زمانمند یا کرونولوژیک
- ۲) تاریخ‌نویسی سلسله‌ای یا دودمانی
- ۳) تاریخ‌نویسی قومی و طایفه‌ای
- ۴) تاریخ‌نویسی عمومی

باکیخانف در اثر خویش ترکیبی از تاریخ‌نویسی سلسله‌ای و کرونولوژیک را به کار گرفته است، به همین دلیل نیز گزارش‌های خود را به گونه‌ای نسبتاً آشفته و فاقد انتظام تاریخی ارائه می‌کند. سبک و سیاق تاریخ‌نویسی او از شیوایی به دور است و بیشتر صورت محاوره‌ای دارد.

عباس قلی آقا باکیخانف طبع شعر نیز داشته، اما در این زمینه از قریحه چشمگیری برخوردار نبوده است و در لابه‌لای نوشته خودگاه اشعاری از شاعران و حتی اشعار خویش را ارائه می‌کند.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - باکیخانف، عباس قلی آقا: گلستان ارم، اداره انتشار علم، باکو، ۱۹۷۰، ص ۲۱۶.
- ۲ - همان، ص ۱.